



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۴۶

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۴ مارس ۲۰۱۲ - ۲۴ اسفند ۱۳۹۰



گفتگو با رهبری حزب پیرامون قطعنامه

"شورای پایه گذاری

حکومت کارگری - سوسیالیستی"

صفحه ۲

علی جوادی، آذر ماجدی



یادداشت سر دبیر،



سیاوش دانشور

"انتخابات" مجلس رژیم اسلامی

نمایش انتخابات مجلس رژیم اسلامی در نوع خود جزو بی رونق ترین مضحکه هائی بود که رژیم اسلامی برای کسب مشروعیت فرمال همواره به آن نیاز داشته است. در این نمایش حتی مدافعین دو آتشه و یاران قدیمی جمهوری اسلامی شرکت نکردند. به این معنا این انتخابات میخی بود بر تابوت کل استراتژی ای که "آزادی" را چه در حکومت و چه در اپوزیسیون بورژوائی در "صندوق رای" جستجو میکنند. بیش از پیش مسجل شد که امر آزادی بدو از سرنگونی انقلابی و نفی کلیت جمهوری اسلامی میگردد.

اما این تمام مسئله نبود. مانند همیشه "انتخابات" صحنه کشمکش باندهای حکومتی بود. اینبار جدال باندهای راست حکومتی که پیش از انتخابات در جریان بود، قرار بود مقدمات پروژه حذف "جریان انحرافی" را فراهم کند. طرح سوال از احمدی نژاد در مجلس، جنگ اوپاش طرفدار خامنه ای و احمدی نژاد بیرون مجلس، ابقای رفسنجانی بعنوان دبیر مجمع تشخیص مصلحت و حتی رای دادن خاتمی که دل هوادارانش را ریش کرد، همگی بر یک پروسه واحد دلالت دارند: تصمیم بر حذف احمدی نژاد قطعی تر شده و یا شرایط آن بیش از پیش فراهم شده است.

اما این جدالها همیشه وجود داشته است و پایه مادی آن نیروی سومی است که کل این نظام را نمیخواهد. پایان دادن به این معرکه گیری نیز با عروج جنبش سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی ممکن است. امروز، بویژه در متن اوضاع منطقه و جهان، عروج جنبش توده ای برای سرنگونی حکومت اسلامی تنها راه خلاصی مردم در ایران است. *

در باره کنفرانس بین المللی سازمان آزادی زن تاکیدی دوباره بر لزوم شکل دادن به یک قطب سوم در مقابل تروریسم اسلامی و دولتی

صفحه ۷

گفتگو با آذر ماجدی

نکاتی در نقد جنبش "انقلابیون برهنه"؟

صفحه ۹

علی جوادی



ناسیونالیسم کرد و روز زن

صفحه ۱۲

دالیا علی سعیدی

پیام حزب اتحاد کمونیسم کارگری به کنگره پنجم حزب حکمتیست



از احتمال جنگ تا
سرنگونی رژیم

کوروش سمیعی



کافر همه را به
کیش خود پندارد!

نسرین رضاعلی

در صفحات دیگر: کارگران شرکتهای مخابراتی تهران، اخراج کارگران شرکت صادراتی رهنورد، اخراج کارگران شرکت وارداتی نو آورده، اخراج کارگران شرکت ساختمانی عمران نیرو، کارگران شرکت الیت، ...



گفتگو با رهبری حزب پیرامون قطعنامه

"شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی"

مصمیم تا نگذاریم این تاریخ تکرار شود. طرح "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" اقدامی حیاتی در این راستا است.

کرد.

یک دنیای بهتر: ما در دوره اخیر شاهد تلاشهای ویژه ای توسط جریانات متعدد اپوزیسیون بورژوازی و راست بودیم. کنفرانس اولاف پالمه یک نمونه آن است، کنفرانسهای مشابهی هم در آلمان و فرانسه در همین راستا صورت گرفت. طرح "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" چه پاسخی به این طرحها است؟ شاید گفته شود که چگونه حزب اتحاد کمونیسم کارگری میتواند چنین تلاشی را در دستور قرار دهد؟ پاسخ شما چیست؟

آذر ماجدی: بقول منصور حکمت هر وقت ۵-۴ نفر از صف جریانات بورژوایی دور هم می نشینند مساله کسب قدرت را در مقابل خود می گذارند. گویی از کودکی قدرت را به پای آنها نوشته اند. لذا تلاش برای آلترناتیو سازی و سازماندهی پروژه های مختلف از جانب جریانات بورژوایی امری کاملاً قابل پیش بینی است. اینها هر بار که مردم به اعتراض بلند می شوند، بلافاصله یک پروژه ای تحت نام «دولت گذار»، «دولت موقت»، «شورای ایرانیان»، «کنگره ایرانیان»، «اتاق فکر» و قس علیهذا راه می اندازند و حول آن هیاهو می کنند. قدرت را حق مسلم خود می دانند. یکی از دلایلی که این پروژه ها با استقبال روبرو نشده است، وجود ما است؛ ما کمونیست های کارگری که حرکتهای این چنینی را در اولین قدم افشاء می

پرسیده اید: "برخی شاید بپرسند که اصولاً "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" چه مقوله ای است؟" به این مساله باید از جوانب متفاوت پاسخ داد. آنچه در این قطعنامه مد نظر است در درجه اول گرد آوردن وسیعترین نیرو برای شکل دادن به یک آلترناتیو حکومتی است. یک آلترناتیو حکومتی که به لحاظ طبقاتی آلترناتیو کارگر در جامعه در قبال تحولات جاری است. آلترناتیوی که به لحاظ اقتصادی یک آلترناتیو سوسیالیستی است. ما از این تلاش تحت عنوان "پایه گذاری" نام برده ایم. و کل این طرح را "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" نام گذاری کرده ایم. نام این طرح در عین حال بطور موجزی بیان ویژگی ها و خصوصیت آلترناتیو حکومتی مورد نظر است.

آیا میتوان یک حکومت کارگری سوسیالیستی را در خارج کشور پایه گذاری کرد؟ در پاسخ به این بخش از سؤال شما باید به تعابیر متفاوتی که میتوان از پایه گذاری داشت اشاره کرد. از نقطه نظر ما تمامی تلاشهایی که برای شکل گیری چنین آلترناتیوی صورت میگیرد، تلاشی برای پایه گذاری چنین حکومتی است. قصد ما محدود به ارائه یک آلترناتیو حکومت نیست. بلکه اساساً برای تحقق و پیاده کردن چنین آلترناتیوی تلاش میکنیم. این تلاش را مسلمانان باید از جایی و در زمانی آغاز کرد. نمیتوان صبر کرد تا رژیم اسلامی سرنگون شود و در جامعه دست به کار شد. فردا دیر است. از همین امروز باید آغاز

دارا و بورژوازی جامعه بسوی قدرت سیاسی باشند؟ در انگلیسی ضرب المثل گویایی وجود دارد: "کافی کافی است"، دیگر بس است. باید با قدرت تمام آلترناتیو کارگر و کمونیسم را در سطح جامعه مطرح کرد و برای آن نیرو گرد آورد. باید به یک انتخاب و آلترناتیو واقعی کارگری و چپ در جامعه شکل داد. چنین آلترناتیوی باید آلترناتیوی حکومتی باشد. ما گروه فشار به طبقات دیگر اجتماعی نیستیم. تصرف قدرت سیاسی یک حلقه محوری در تلاش ما برای تحقق آزادی و رهایی است. از این رو حزب تدوین چنین قطعنامه ای را در دستور قرار داد و "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" حاصل چنین تلاشها و پاسخگویی به چنین مسائل و معضلاتی است.

واقعیت این است که ما مصمیم تا نگذاریم این بار هم حاصل جانفشانیها و مبارزات مردم به کیسه راست و نیروهای طبقات استثمارگر، مانند دوره تحولات ۵۷ برود. در آن زمان هم توده های مردم برای سرنگونی استبداد سلطنتی و بی حقوقی سیاسی و اجتماعی به میدان آمدند اما نظر به فقدان آلترناتیو چپ و کارگری در جامعه و با توجه به تلاشهای بورژوازی غرب در مهندسی افکار عمومی جامعه، جریان کپک زده و تا مغز استخوان مرتجع خمینی را به خورد جامعه دادند. ائتلاف خمینی و بازرگان و ضد انقلاب اسلامی را به جامعه حقه کردند تا با تمام قوا مشغول سرکوب خونین تلاشهای مردم شوند. ما

یک دنیای بهتر: کدام ملزومات؟ کدام شرایط؟ ضروریات پایه ای طرح این قطعنامه چیست؟ برخی شاید بپرسند که اصولاً "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" چه مقوله ای است؟ مگر یک حکومت کارگری - سوسیالیستی را میتوان در خارج کشور پایه گذاری کرد؟

علی جوادی: واقعیتی که قطعنامه بر مبنای آن استوار شده این است که جامعه در آستانه تحولات تعیین کننده و سرنوشت سازی قرار گرفته است. سرنوشت رژیم در حال رقم خوردن است. تلاشهای بسیاری در "بالا" و در "پایین" برای تعیین تکلیف با رژیم اسلامی در جریان است. جنگ میتواند به یک واقعیت خشن و در عین حال تعیین کننده در سرنوشت اوضاع تبدیل شود. جنبشها و طبقات اجتماعی آلترناتیوهای خود را دارند و برای پیشبرد اهدافشان تلاش میکنند. راست جامعه از هم اکنون برای فردای تحولات خیز برداشته است. کنفرانس پشت کنفرانس، هر جک و جانوری، رژیم کنونی و رژیم سابق، به دور هم جمع شده اند و ادعای شکل دادن به آلترناتیو حکومتی برای فردای رژیم اسلامی دارند. در چنین شرایطی کمونیسم و کارگر و چپ جامعه هم باید آلترناتیو خود را داشته باشد. جامعه ما جامعه ای طبقاتی است. اپوزیسیون رژیم اسلامی جریانی یکدست و همگون نیست. نخواهد هم بود. ما شاهد دو اردوی عظیم چپ و راست در مقابله با رژیم اسلامی هستیم. کارگر و توده های مردم زحمتکش و آزادیخواه آلترناتیو خود را میخواهند، انتخاب خود را میخواهند، تا کی باید مبارزات کارگر و مردم زحمتکش سکوی پرش طبقات



استراتژی خویش حرکت کرده است و می‌کوشد پاسخی اصولی و مسئولانه به تحركات ارتجاعی راست بدهد و جامعه را حول چنین طرحی بسیج و متشکل کند.

یک دنیای بهتر: این قطعنامه چه تغییراتی در پروژه "حزب و قدرت سیاسی" ایجاد میکند؟ کلا چه رابطه‌ای میان اهداف این قطعنامه و پروژه "حزب و قدرت سیاسی" است؟

علی جواد: این قطعنامه کوچکترین محدودیت و یا تغییری در رابطه با پروژه "حزب و قدرت سیاسی" برای حزب ما ایجاد نمیکند. چنین قصدی هم ندارد. "حزب و قدرت سیاسی" مقوله‌ای در چهارچوب تصرف قدرت سیاسی است. یک مقوله کلیدی و پایه‌ای در حزب ما است. تمام تلاشهای ما برای تحقق جامعه‌ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی، یک جامعه آزاد کمونیستی به مسأله محوری قدرت سیاسی گره خورده است. ما بدون تصرف قدرت سیاسی نمیتوانیم به اهدافمان دست پیدا کنیم. نمیتوانیم به جامعه‌ای آزاد و کمونیستی شکل دهیم. بدون تصرف قدرت سیاسی حزبیت کمونیستی معنی پایه‌ای خود را برای ما از دست میدهد. به قول منصور حکمت "قدرت سیاسی" آن مقوله‌ای است که ویژگی یک حزب کمونیستی را بیان میکند. حزب سیاسی بدون تلاش برای تصرف قدرت سیاسی حزب نیست. گروه فشار بر احزاب اصلی جامعه است.

گفتگو با رهبری حزب پیرامون قطعنامه

"شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی"

بورژوازی و ارتجاع یکبار دیگر مبارزات مردم و کارگران را تخته پرش قدرت خود قرار دهند. باید نشان دهیم که اوضاع این بار بسیار متفاوت است. در سال ۱۳۵۷ غرب توانست از طریق تشکیل کنفرانس گوادولوپ یک آلترناتیو ضد انقلابی، ارتجاعی و پوسیده را به مردم ایران تحمیل کند. کمونیسیم از آن زمان بسیار رشد کرده و درون جامعه نفوذ بسیار دارد. ما باید این بار کنفرانس های «دموکراتیک» غرب را که جانشین همان گوادولوپ هستند بر سر ارتجاع بین المللی و «وطنی» خراب کنیم. بهترین راه انجام این مهم ساختن آلترناتیو کمونیستی و چپ برای گرفتن قدرت سیاسی است.

از این رو است که حزب اتحاد کمونیسیم کارگری طرح «شورای پایه گذاری حکومت کارگری- سوسیالیستی» را تهیه و به جامعه ارائه نموده است. این طرح تلاشی برای تخریب آلترناتیو راست و استقرار یک حکومت کارگری - سوسیالیستی بر ویرانه های رژیم جنایتکار اسلامی است. این دخالت در قدرت سیاسی صرفا بمعنای کسب قدرت نیست، بمعنای شرکت در پروسه کسب قدرت و تغییر توازنه قوا بنفع طبقه کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی نیز هست. ارائه چنین طرحی و تلاش برای گردآوری نیرو برای آن دقیقا در جهت تغییر توازن قوا بنفع صف کارگر و مردم زحمتکش است. اثبات این امر است که کمونیسیم دیگر نمی‌خواهد یک جریان حاشیه‌ای باشد. می‌خواهد در پروسه کسب قدرت سیاسی نقش فعال و تعیین کننده داشته باشد.

به این معنا حزب اتحاد کمونیسیم کارگری کاملا در جهت برنامه و

بر همین ویژگی جامعه ایران نسبت به عراق، لیبی و سوریه تکیه و تاکید کرد.

ایران از نظر سیاسی و جنبشی، جامعه‌ای بسیار قطبی تر است. از زمان انقلاب شکست خورده ۵۷ جنبش کمونیستی در ایران بسیار قوی بوده است. جنبش کمونیستی کارگری یک جنبش قوی در جامعه ایران است. اپوزیسیون ایرانی در خارج کشور نیز بسیار سیاسی و قطبی است. بسیاری از چهره‌هایی که در پروژه آلترناتیو سازی غرب شرکت دارند، چهره‌هایی منفور و دارای پرونده جنایت علیه بشریت اند. مردم اینها را می‌شناسند. و کمونیست‌ها آنها را کاملا افشاء کرده اند.

صف آرای کمونیسیم در مقابل بورژوازی و چپ در مقابل راست در میان اپوزیسیون ایران و درون جامعه ایران یک مقوله معرفی شده است. ما با چنین پدیده‌ای در مورد عراق، بویژه زمان حمله نظامی به آن، یا لیبی و سوریه روبرو نبوده و نیستیم. کمونیسیم و چپ می‌توانند و باید قطب آزادیخواهی و برابری طلبی را گرد آورند و در مقابل راست و ارتجاع قرار دهند. کمونیسیم در ایران باید نشان دهد که آلترناتیو قدرتی در جامعه است و تنها جریانی است که می‌تواند خواستهای پایه‌ای مردم، یعنی آزادی، برابری و رفاه را تامین و تضمین کند.

اکنون جامعه ایران در شرایط خطیری قرار دارد. ما کمونیست‌ها باید نشان دهیم که اجازه نخواهیم داد که

کنیم. نیت ارتجاعی‌شان را برملا می‌کنیم. اینها دو سال پیش هم اقدامات بسیاری انجام دادند که همگی با شکست روبرو شد. اکنون، دوباره، بدنیاال تشدید تحریم اقتصادی توسط دولت‌های غربی و بالا گرفتن تهدید جنگی توسط تروریسم دولتی، عملیات دولت‌سازی در تبعید جان تازه‌ای گرفته است.

تفاوت این بار در اینست که غرب بطور جدی تر دارد می‌کوشد پروژه آلترناتیو سازی را پیش ببرد. پیش از این بارها کنگره آمریکا کوشید نیروهای ارتجاع در جنبش ملی - اسلامی، ناسیونالیسم پرو غرب و ناسیونالیست‌های قوم پرست را گرد هم آورد و هر بار این تلاش‌ها سریعاً شکست خورد. قبلا این تحركات نامش «رژیم پنج» بود، حالا به آلترناتیو سازی تغییر نام پیدا کرده است. همان بلایی که سر عراق آورده اند را می‌خواهند با تغییرات ظاهری در مورد ایران انجام دهند. باید توجه داشت که غرب برای لیبی و سوریه نیز آلترناتیو سازی کرده است. در لیبی دیدیم که چه اتفاقی افتاد، در سوریه هم داریم به همان جهت حرکت می‌کنیم. همین مرکز اولاف پالمه نقش مهمی در ساختن آلترناتیو دولتی ارتجاعی برای سوریه داشته است.

اما پروژه‌شان در مورد ایران در وسط راه با یک افتضاح سیاسی روبرو شد. هر چه سعی کردند مخفیانه و در پشت درهای بسته توطئه خود را به پیش برند، موفق نشدند. کمونیست‌ها و چپ‌های انقلابی اجازه ندادند و نقشه آنها را برملا و رسوا کردند. همین واقعیت بما نشان می‌دهد که جامعه ایران متفاوت است و باید

گفتگو با رهبری حزب پیرامون قطعنامه

"شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" ...

اهدافی که این قطعنامه در مقابل ما قرار میدهد کوچکترین تناقضی با اهداف اعلام شده تاکنونی حزب و تلاشهای ما برای تصرف قدرت سیاسی در جامعه ندارد. ما در هر پروسه که به قدرت رسیده باشیم، هدفمان در پس تصرف قدرت سیاسی شکل دادن به یک حکومت کارگری - سوسیالیستی، یک جمهوری سوسیالیستی است. این قطعنامه هم دقیقاً همین اهداف را مد نظر دارد. تفاوت اینجاست که این قطعنامه اساساً به جنبه های عمومی چنین مسأله ای و پروبلماتیک های سیاسی جامعه در فردای سرنگونی رژیم اسلامی و تصرف قدرت سیاسی می پردازد. در صورتیکه مقوله "حزب و قدرت سیاسی" عمدتاً مقوله ای در چهارچوب تلاش حزب برای تصرف قدرت سیاسی است. به این اعتبار این دو مقوله مکمل یکدیگر میشوند. نگاه و تاکیداتشان بر بخشهای متفاوت یک مقوله واحد و اجزاء متفاوت آن است. از این رو نه تنها این طرح محدودیت و یا محظوراتی در پروژه حزب و قدرت سیاسی ایجاد نمیکند بلکه مکمل آن میشود.

یک دنیای بهتر: این قطعنامه فراخوانی به احزاب کمونیستی، چپ، انقلابی و رادیکال و نیروهای آزادیخواه و برابری طلب است. تفاوتها و تشابهات این طرح با طرحهای از نوع "اتحاد چپ" و یا "جبهه چپ" و ... چیست؟

آذر ماجدی: باید توجه داشت که این طرح بهیچوجه طرحی برای ایجاد جبهه چپ نیست؛ طرحی برای ایجاد چتری بعنوان اتحاد چپ نیست. طرحی است برای گردآوری تمام نیروهای چپ

انقلابی و کمونیست برای شکل دادن به آلترناتیوی برای آینده ایران. لذا سازمانها، احزاب و افراد کمونیست و چپ انقلابی با حفظ هویت و موجودیت خود در چنین طرحی شرکت خواهند کرد. هیچ جریانی خود را منحل نخواهد کرد؛ این طرحی برای مستحیل کردن جریانات چپ در یک پدیده بزرگتر نیست.

این مسأله در خود طرح نیز کاملاً روشن و گویا است. ما در پی اتحاد با سازمانهای چپ و کمونیست در میان اپوزیسیون نیستیم. چنین کاری نه امکانپذیر است و نه امری مطلوب. اما چپ و کمونیسم انقلابی می توانند بر مبنای اصول پایه ای یعنی سرنگونی سرمایه داری، لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، استقرار سوسیالیسم و یک نظام شورایی توافق کنند. این بنظر من کاملاً عملی است. هیچ مانع برنامه ای یا ایدئولوژیک در مقابل آن قرار ندارد. و باید کوشید موانع دیگر را بخاطر یک هدف بزرگتر، بخاطر نجات جامعه از چنبره ارتجاع، اختناق، فقر و فلاکت، زن ستیزی و عقب ماندگی از سر راه برداشت.

یک دنیای بهتر: مختصات پایه ای و عمومی این طرح کدامها هستند؟ محورهای تمایز و تفاوت این آلترناتیو حکومتی با آلترناتیو حکومتی بورژوازی و راست چیست؟

علی جوادی: این طرح دارای چهارچوب روشن و تعریف شده ای است. دارای چند رکن اساسی است. از یک طرف

تعریفی مختصر و موجز از یک حکومت سوسیالیستی ارائه میدهد. حکومتی که هدفش از فعالیت اقتصادی نه تولید سود برای سرمایه بلکه رفع نیازمندیهای متنوع و گسترده آحاد جامعه است. حکومتی که به لحاظ سیاسی مبتنی بر گسترده ترین آزادیهای سیاسی و حقوق مدنی فردی و رفع هر گونه تبعیض و ستم و نابرابری است. حکومتی که سکولار است، جدایی دین از دولت یک ویژگی آن است. حکومتی که به لحاظ ساختارهای خود شورایی است. متضمن دخالت مستقیم و مستمر توده های مردم در سرنوشت سیاسی و مقدرات جامعه است. نظامی آزاد، برابر و مرفه.

این طرح در عین حال دارای بندهایی است که بیانگر فرامینی است که باید فوراً و در پس سرنگونی رژیم اسلامی اعلام و اجرا شود. اعلام نابودی و انحلال کلیه دم و دستگاہ رژیم اسلامی. تشکیل دادگاههای علنی برای محاکمه سران رژیم اسلامی و باز پس گیری تمامی اموال مصادره شده که دوران حکومت اسلامی از مردم گرفته شده است. اعلام آزادی و برابری زن و مرد در جامعه و ...

و بالاخره این طرح اعلام میکند که ما خواهان سازماندهی نشست شوراهای نمایندگان مردم برای تدوین قوانین اساسی حکومت کارگری - سوسیالیستی هستیم. چرا که از نقطه نظر ما این تنها ارگانی است که دارای مشروعیت لازم برای تدوین قوانینی است که جامعه آتی میتواند و باید بر مبنای آن سازمان یابد. در زمینه تمایزات و تفاوتهای ویژه این طرح با آلترناتیوهای بورژوازی در فرصتهای دیگری باید بطور مفصل بحث کرد.

یک دنیای بهتر: چرا نیروهای مخاطب این طرح باید از این طرح استقبال کنند؟ تاکیدات حزب در این رابطه کدام است؟ آیا با توجه به برخی ملاحظات "حزبی - سازمانی" بهتر نبود که این طرح ابتدا با این احزاب و سازمانها مطرح شود؟ مسیر راه آتی کدام است؟

آذر ماجدی: از این رو که این طرح راهگشا است. اتخاذ آن نیروهای چپ و کمونیست را در موقعیت بسیار بهتر و مناسب تری در مصاف با رژیم اسلامی و در تقابل با اپوزیسیون راست و ارتجاعی قرار می دهد. کمونیسمی که به تحقق آرمانهای کمونیستی می اندیشد، که علیرغم هر نوع اختلاف نظر سیاسی و تئوریک، واژگونی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم، یعنی ایجاد یک جامعه آزاد، برابر و مرفه برای همگان را خواهان است، قاعدتاً نیاید در اساس با چنین طرحی معضلی داشته باشد.

این برنامه یک حزب خاص نیست. این طرحی است برای ساختن یک آلترناتیو چپ در تقابل با آلترناتیو راست. تصور نمی کنم که هیچیک از جریانات کمونیستی و چپ انقلابی، بر اساس برنامه یا ایدئولوژی خویش با این طرح اختلاف اساسی داشته باشند. ما در تهیه این طرح ملاحظات این چنینی را ملحوظ کرده ایم. لذا باید کوشید بر هر گونه ملاحظات سکتاریستی فائق آمد. بحث بر سر نیروی اول و دوم میان جریان چپ نیست. بحث بر سر نیروی اول و دوم در گستره جامعه و در امر کسب قدرت سیاسی است.

در پاسخ به بخش دوم سوال باید بگویم که در عین حالیکه این طرح خطاب به تمام نیروهای کمونیست و چپ انقلابی است، مخاطب آن صرفاً این جریانات نیستند. مخاطب ما کل جامعه و طبقه کارگر

کارگران مراکز مخابراتی تهران

اخراج گسترده در روزهای پایانی سال!

در اطلاعیه قبلی در مورخ 28/10/90 اعلام داشتیم بخشنامه ای به امضای پاسدار "سلطان محمدی" معاون اداره مخابرات به کلیه مراکز خدماتی و شرکتهای انگل پیمانکاری ارایه دهنده خدمات مخابراتی در سطح شهر تهران ارسال شده است. حکومت اسلامی سرمایه داران در این دستور العمل از شرکتهای پیمانکار خواسته بود تا پایان سال و در جهت کاهش هزینه ها تعداد زیادی از کارگران از کار اخراج و بیکار شوند و با افزایش ساعات و حجم کار بیشتر بر شدت فشار و استثمار در حق دیگر کارگران شاغل بکوشند.

کارگران شرکت تجارت تیوا (موج آسا سابق)

در چند روز اخیر و بطور همزمان با جایگزینی شرکت انگل پیمانکاری تجارت تیوا با شرکت موج آسا حکم اخراج فوری 12 نفر از کارگران صادر و به مرحله اجرا در آمده است. عوامل کارفرما همزمان با اخراجها ساعت و حجم و میزان کار کارگران فعلا شاغل را به طرز وحشیانه ای افزایش داده اند تا مبادا کار کارگران اخراجی بر روی زمین بماند و از سودهای سرشارشان کاسته شود. کارگران اخراجی که هر یک از 2 تا 10 سال سابقه کار نیز دارند، علاوه بر آنکه از کار و زندگی ساقط شده اند، عیدی و پاداش پایان سال و سنواتشان نیز بالا کشیده شده و در برزخ بلاتکلیفی و سرگردانی در میان دو شرکت انگل پیمانکاری و اوباش سپاه پاسداران در مخابرات تهران به سرقت رفته است. کارگران اخراجی و بیکار و خانواده هایشان با رنج و اندوه ناشی از فقر بیشتر و سرگردانی با جیبهای خالی در حالیکه حتی دستمزدهای ناچیزشان توسط سرمایه داران و حکومت جانین اسلامی به تاراج رفته است، در روزهای پایانی سال و همزمان با افزایش سرسام آور تورم و گرانی و هزینه های زندگی دستشان به جایی بند نیست. این قانون جنگل نیست این قانون وحشیانه و ماهیت مشتی سرمایه دار طفیلی و سود جو و حکومت اوباش اسلامیشان بر علیه خانواده های کارگری در آغاز سال جدید است.

شرکت پیمانکاری خدمات مخابراتی تجارت تیوا (موج آسا سابق) در بخش منطقه 5 تهران هم اکنون با 12 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه با سوابق کاری 2 تا 10 سال و دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری از 8 صبح تا شب و اضافه کاری اجباری حتی در تعطیلات ارایه دهنده خدمات مخابراتی در منطقه 5 تهران میباشد.

مرکز مخابرات کاشانی

در چند روز گذشته 12 نفر از کارگران مرکز مخابرات خیابان کاشانی تهران از کار اخراج شده اند. کارگران اخراجی مبالغ عیدی و پاداش پایان سال و سنوات را نیز دریافت ننموده اند. هم اکنون در مرکز مخابرات کاشانی 11 نفر کارگر فعلا شاغل با قراردادهای موقت و سفید امضا و دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری از صبح تا شب و کار اجباری و مجانی در همه تعطیلات مشغول به کارند. عوامل کارفرما با تهدید و ارباب و سرکوب ساعات کاری کارگران را بشدت افزایش داده و با گستاخی به کارگران اولتیماتوم داده اند یا بایستی کار کارگران اخراجی را نیز انجام دهند و یا اخراج و بیکاری در انتظار آنها خواهد بود.

مرکز مخابراتی پیام نور (پونک)

تا امروز بیست و چهارم اسفند ماه 20 نفر از کارگران مرکز مخابراتی پیام نور از کار اخراج شده اند. کارگران اخراجی در این مرکز عیدی و پاداش پایان سال و سنوات را نیز دریافت نکرده اند. عوامل کارفرما به جای پرداخت حق و حقوق کارگران با اخراج با تهدید و ایجاد فضای رعب و وحشت از طریق افزایش ساعت کار، کار کارگران اخراجی را هم به دیگر کارگران فعلا شاغل تحمیل نموده اند. در حال حاضر در مرکز مخابرات پیام نور در منطقه پونک 22 نفر کارگر با قراردادهای موقت سفید امضا و دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری از صبح تا شب در تحت شرایط استثمار وحشیانه مشغول به کارند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ مارس ۲۰۱۲ - ۲۴ اسفند ۱۳۹۰

گفتگو با رهبری حزب پیرامون قطعنامه

"شورای پایه گذاری حکومت
کارگری - سوسیالیستی" ...

نیز هست. لذا این طرح باید انتشا
علنی یابد و در مقابل جامعه قرار
داده شود. باید کوشید مردم را حول
این آلترناتیو بسیج کرد. باید این
طرح را به یک طرح معرفه برای
مردم بدل کرد. مردم نیز باید بتوانند
انتخاب کنند. انتخاب در چنین
شرایطی میان چپ و راست است.
اگر مردم در سال ۱۳۵۷ یک
آلترناتیو چپ داشتند زیر بار دسیسه
اسلامیست ها نمی رفتند. این بار
نباید بگذاریم که سناریوی مشابه ای
به اجرا درآید.

ما باید این امر را تسهیل کنیم که
مردم در مقابل دو انتخاب چپ و
راست قرار گیرند. باین ترتیب
بسیاری از تردیدها و ملاحظات و
گیج سری ها کنار زده می شود.
باین ترتیب راست و ارتجاع قادر
نخواهند بود به آسانی توطئه خود را
به مردم قالب کنند. کار قطب
تروریست دولتی بسیار پیچیده تر و
سخت تر خواهد شد. اینها باید
فعالیت بسیاری انجام دهند تا طرح
سیاه خود را به مردم بیاندازند.
بعلاوه، این طرح مقابله با رژیم
اسلامی را نیز برای مردم و طبقه
کارگر آسانتر خواهد نمود. از این
رو ما معتقدیم که این طرح می تواند
در این شرایط بسیار راهگشا باشد.

ما در جریان تدقیق بیشتر اقداماتی
که باید در دستور بگذاریم هستیم.
اما با اعتقاد من تماس با کلیه سازمان
های کمونیست و چپ انقلابی باید
در دستور باشد؛ تلاش برای
سازماندهی یک نشست برای
دیالوگ در مورد این طرح باید قدم
بعدی باشد. بعلاوه، ما با تمام قوا
این طرح را تبلیغ خواهیم کرد تا
مردم در جریان آن قرار گیرند و با
خطوط اصلی آن آشنا شوند. می
کوشیم که پذیرش و انتخاب این
طرح را برای مردم تسهیل کنیم. *

پیام حزب اتحاد کمونیسم کارگری به کنگره پنجم حزب حکمتیست

حکمت و حاشیه ای کردن سیاست های راست و پوپولیستی تشکیل شد.

عبور از منصور حکمت سیاستی است که توسط گرایشهای غیر کمونیستی کارگری دنبال شده است. جای بسی خوشحالی است که شاهدیم صفی از کمونیست ها در حزب حکمتیست در مقابل این سیاست راست قد برافراشتند. بویژه که در میان آنها تعدادی از کمونیست های قدیمی وجود دارند که از تشکیل حزب کمونیست ایران همسنگر منصور حکمت بوده اند.

این کاملا روشن است که پیروزی طبقه کارگر، انقلاب کارگری و استقرار جمهوری سوسیالیستی در شرایط حاضر فقط و فقط با اتکاء به کمونیسم مارکس و حکمت امکانپذیر است. ما همیشه بر این حقیقت پای فشرده ایم و به سهم خود کوشیده ایم تا هر گونه شائبه ای را در این جهت بزدانیم. مارکس و حکمت همواره با سلاح نقد کوبنده راه خویش را گشوده اند و سیاست های خود را تثبیت کرده اند. باید این سلاح نقد را محکم علیه تمام موانعی که ارتجاع در مقابل مبارزات مردم و طبقه کارگر برای رهایی قرار می دهند، قرار داد. بدیهی است که در تقابل کمونیسم کارگری با گرایشات و جنبشهای اصلی بورژوائی، نقد کمونیسم غیرکارگری و بورژوائی یک وظیفه تعطیل ناپذیر هر جریان

بنا به دعوت حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، هینتی از جانب حزب اتحاد کمونیسم کارگری متشکل از سیاوش دانشور، آثر ماجدی و کریم نوری در کنگره پنجم حزب حکمتیست شرکت کردند. پیام حزب توسط آثر ماجدی در کنگره قرانت شد.

پیام حزب اتحاد کمونیسم کارگری به کنگره پنجم حزب حکمتیست

رفقا!

برگزاری کنگره ۵ را به شما تبریک میگوئیم. این کنگره در سرنوشت حزب حکمتیست جایگاه ویژه ای دارد. جدالی که شما درون حزب تان با جناحی از رهبری حزب که بحق نام کودتاچی براننده آنها است، به پیش بردید، نه تنها برای خود شما، بلکه می تواند برای جنبش کمونیسم کارگری نیز حائز اهمیت بسیار باشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری با علاقه و دقت این جدال را دنبال کرده است و نظر خویش را نیز طی اطلاعیه ها و در نوشته هایی از رهبری حزب اعلام نموده است. ما گفته ایم که هر حرکتی که با هدف حاشیه ای کردن خطوط و سیاست های راست و غیر کمونیستی کارگری باشد، هر حرکتی که هدفش برافراشتن پرچم کمونیسم کارگری منصور حکمت در جامعه باشد، با حمایت و دفاع ما روبرو میشود. حزب ما دقیقا با هدف به اهتزاز درآوردن پرچم کمونیسم کارگری منصور حکمت بیش از ۵ سال پیش پایه گذاری شد. حزب ما با هدف تقویت و تحکیم کمونیسم کارگری منصور



حقیقتا انقلابی و کمونیست است. ما خوشنودیم که سیاست های راست و سنتهای ضد حزبی در حزب شما مورد نقد قرار گرفته و شکست خورده است. باید این نقد را تا به انتها به پیش برد. نقد عمیق و کوبنده و حاشیه ای کردن این سیاست ها در حزب حکمتیست لازمه پیشروی کمونیسم کارگری است.

ما با علاقه وافر این روند را دنبال کردیم و انتظار داریم تمایزات و تفاوتهایی که بین دیدگاههای راست و کمونیسم کارگری وجود دارد به روشنی تبیین و مبنای پراتیک حزب حکمتیست قرار گیرد. پیروزی کمونیسم کارگری منصور حکمت بر خط راست درون حزب

حکمتیست میتواند تخته پرشی برای پیشروی کمونیسم کارگری منصور حکمت در جنبش طبقه کارگر و جامعه ایران برای دستیابی به قدرت سیاسی و به اهتزاز درآوردن پرچم حکومت کارگری باشد.

برایتان کنگره ای پر بار، با سیاستهای قاطع کمونیستی کارگری و پیروزی آرزو میکنیم.

زندگی با کمونیسم کارگری
زندگی با منصور حکمت

10 مارس 2012

آثار

منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/



در باره کنفرانس بین المللی سازمان آزادی زن تاکیدی دوباره بر لزوم شکل دادن به یک قطب سوم در مقابل تروریسم اسلامی و دولتی

گفتگو با آذر ماجدی

از ایران در سال ۲۰۰۹ و نقش زنان در آنها با استقبال بسیار روبرو شد. در پایان پرسش و پاسخ انجام گرفت. در پایان من سخنان کوتاهی بعنوان قطعنامه کنفرانس اعلام کردم و تأیید شرکت کنندگان را در حمایت از مبارزات آزادیخواهان مردم منطقه، جنبش آزادی زن و همچنین مقابله با تهدید نظامی علیه ایران و مقابله با رژیم اسلامی را خواهان شدم. سپس با ارائه یک شاخ گل سرخ به سخنرانان و کسانی که با فعالیت بیدریغ خود برگزاری این کنفرانس را امکانپذیر کردند، کنفرانس پایان یافت.

سخنرانان زیر به کنفرانس دعوت شده بودند: هما ارجمند، سواد بابا ایسا از الجزایر که اکنون ساکن فرانسه است، نسرین رمضانعلی، نینا سانکاری از لهستان، پروین کابلی، کریم عامر و علیا مگدا المهدی از مصر، شهلا نوری، ماریا هاگبری از سوئد، لیلین هالس فرنج از فرانسه، ربکا هیبرنت از سوئد و خود من بودند. مریم کوشا نیز مدراتور کنفرانس بود.

یک دنیای بهتر: سخنرانان در باره تم کنفرانس بر چه نکات اساسی تاکید کردند؟

آذر ماجدی: نکات متعددی مطرح شد. سخنرانی سواد بابا ایسا و خود من بر مساله الטרانایو سازی برای منطقه توسط دولتهای غربی و بسته بندی اسلامیت ها در زوررق

ایران و منطقه است، به این مساله بپردازد. انتخاب این تم بنظر کاملا بدیهی می رسید و با استقبال زیاد فعالین جنبش آزادی زن در سطح جهانی روبرو شد. بویژه ابتکار فمینیستی اروپا که ما با آنها چند سالی است فعالیت های مشترک انجام میدهیم، از این تم استقبال کرد. تعدادی از سخنرانان کنفرانس، منجمله خود من، با این سازمان همکاری نزدیک داریم. رئیس این سازمان، لیلین هالس فرنج که بعلت شرکت در یک ورک شاپ در قاهره برای فعالین حقوق زن نتوانست در کنفرانس ما شرکت کند، از طرف این کارگاه برای ما پیام فرستاد. (ترجمه فارسی این پیام در نشریه برای یک دنیای بهتر هفته پیش منتشر شد)

کنفرانس بنظر من بسیار موفقیت آمیز بود. آیا کنفرانس به اهدافش رسید؟ این یک سوال بسیار بازی است. بنظر من به اهدافی که در خود کنفرانس پی می گرفت، بله. اما موفقیت اهداف آنرا فعالیت های آتی ما و تماس و ارتباط نزدیکتر با سخنرانان تعیین می کند.

یک دنیای بهتر: برنامه کنفرانس چه بود؟ سخنرانان چه کسانی بودند؟

آذر ماجدی: خوش آمدگویی و سخنرانی افتتاحیه، سخنرانی ها، خواندن پیام های رسیده که بخصوص پیام نوال السعداوی که داستان کوتاهی بود از زندگی یک زن جوان زحمتکش که نوال با او در میدان التحریر آشنا شده بود، بسیار توجه شرکت کنندگان را برانگیخت. یک تناثر و اسلاید شو از خیزش توده ای اخیر در منطقه و

خروش اولیه، به مبارزات خود ادامه می دهند، بویژه در مصر. بعلاوه، جریانات اسلامی که همواره در حکومت نقش داشته اند، اکنون نقش وسیعتری پیدا کرده اند. تروریسم دولتی با اسلامیت ها به یک سازش رسیده است. اکنون تلاش میشود که اسلامیت ها را بعنوان اسلامیت های معتدل، طبق الگوی ترکیه به مردم منطقه قالب کنند.

زنان در تمام این تحرکات نقش مهمی ایفاء کرده اند و خواهان رفع بیحقوقی خویش هستند. اما حال و آینده در این جوامع بسیار نگران کننده و اسفناک است. در حال حاضر اسلامیت ها در مصر و لیبی محدودیت های بسیار بیشتری را به زنان فی الحال بیحقوق تحمیل کرده اند و این محدودیت ها در حال گسترش است. جنبش آزادی زن از این شرایط بسیار نگران است. مورد ایران بیاد همه هست. چگونه یک انقلاب برای آزادی، رفاه و عدالت و علیه تبعیض را به یک «انقلاب اسلامی» بدل کردند و کوشیدند که زنان را به گوشه خانه ها بفرستند. از این رو است که تلاشهای مختلفی برای مقاله با تبعیضات کنونی در حال انجام است.

با توجه به این شرایط، کاملا طبیعی بود که سازمان آزادی زن که یک تمرکز اصلی آن علیه اسلام سیاسی و کسب آزادی و برابری برای زنان در

یک دنیای بهتر: چهارمین کنفرانس بین المللی سازمان آزادی زن در گوتنبرگ سوئد برگزار شد. تم کنفرانس چه بود و بر چه اساسی تعیین شده بود؟ آیا کنفرانس به اهدافش رسید؟

آذر ماجدی: تم کنفرانس خیزش توده ای در خاورمیانه و شمال آفریقا، عروج اسلام سیاسی؟ و موقعیت زنان بود. این تم اکنون یکی از میرمترین و مهمترین مسائل پیشاروی جنبش بین المللی آزادی زن است. بیش از یکسال از خیزش توده ای در این منطقه می گذرد. مردم کل منطقه به میدان آمده اند و برای آزادی، برابری و رفاه مبارزه میکنند. وجود یک استبداد خشن، فقر و فلاکت، بیحقوقی و سرکوب مردم که در شرایط بحران جهانی سرمایه داری ابعادی وسیعتر بخود گرفته است خشم مردم را لبریز کرده است. مردم با یک نه بزرگ به کلیت این نظام های سرکوب و استعمار به خیابان ها آمده اند.

اما مساله اینجاست که علیرغم موفقیت مردم در سرنگونی چهار دیکتاتور، شرایط بطور اساسی تغییری نکرده است. در تونس و مصر همان رژیم ها با یک سر دیگر به حیات خود ادامه می دهند و در لیبی با حمایت و دخالت ناتو یک رژیم مشابه را سر کار آورده اند. در یمن نیز که معاون بجای رئیس نشسته است. ارتجاع داخلی با کمک تروریسم دولتی به سرکردگی آمریکا می کوشد با همین تغییرات ظاهری و ناچیز مردم را به خانه ها بازگرداند. مردم اما اگر نه با همان جوش و

در باره کنفرانس بین المللی سازمان آزادی زن تاکیدی دوباره بر لزوم شکل دادن به یک قطب سوم در مقابل تروریسم اسلامی و دولتی ...

سلاح مقابله با ارتجاع حاکم و بهترین راه مقابله با سرکوب خشن است. جنبش حقوق زن نیز باید به ایجاد چنین تشکلاتی دست زند. باید کوشید که خواستهای زنان را به خواستهای فراگیر بدل کرد. باید یک جنبش اجتماعی وسیع آزادی زن را سازمان داد. این کاملاً عملی است.

سازمان آزادی زن می کوشد تا با فعالین جنبش حقوق زن در منطقه تماس نزدیک تری برقرار کند. خواهد کوشید که طی این تماس ها تجارب جنبش آزادی زن در ایران را به آنها منتقل کند. فی الحال سازمان آزادی زن برای بخشی از جنبش حقوق زن در مصر، تونس، اردن، لبنان، فلسطین و سوریه جریانی شناخته شده است. ما با فعالینی در این کشورها در تماس هستیم. سازمان آزادی زن در دسامبر ۲۰۱۰ در یک کنفرانس برای حقوق زن و سکولاریسم در قاهره شرکت کرد. علیا و کریم طی همان کنفرانس با سازمان آزادی زن و ادبیات آن آشنا شدند. خود من علاوه بر دعوت به این کنفرانس، در اکتبر ۲۰۱۰، به کنفرانسی در بیروت دعوت شده بودم که متأسفانه بعثت مشکلات در هیچیک نتوانستم شرکت کنم. راه دراز و پر نشیب و فرازی در پیش داریم. اما آماده ایم که با قاطعیت در این راه قدم بگذاریم.

علیا با صدایی یواش و لرزان صحبت می کرد. او به وجود یک تبعیض وسیع و عمیق نسبت به زنان در مصر سخن می گفت. این واقعیت که چگونه از روز نخست زندگی دختران را از پسران متمایز می کنند و پسران را در همه عرصه ها بر دختران ارجحیت می دهند. برای ما اینها مسائلی عجیب نبود. اما می توان گفت که وجود یک جنبش وسیع و توده ای آزادی زن در ایران بسیاری از این پندارها و پراتیک های مردسالارانه را به مصاف طلبیده است. در مصر چنین جنبش توده ای وجود ندارد. اما بنظر می رسد که در حال شکل گیری است.

یک دنیای بهتر: پیام سازمان آزادی زن به جنبش آزادی زن در ایران و منطقه در اوضاع متحول کنونی چیست؟ برای تشکل و بمیدان آمدن جنبش زنان چه باید کرد؟ در سطح بین المللی چه اهدافی را دنبال میکنید؟

آذر ماجدی: امر ایجاد تشکلات توده ای در این شرایط در منطقه یک امر حیاتی و عاجل است. در شرایط حاضر این مهمترین و ساده ترین

زن مقابله با هر دو قطب تروریسم بود. نقد و افشای هر دو قطب را در دستور خویش گذاشته اند.

سازمان آزادی زن در سالهای اخیر، از زمان تاسیس، کوشیده است که این دو قطب را افشاء کند و برای بسج یک قطب سوم فعالیت نماید. جای خوشحالی است که فعالینی که در کنفرانس سازمان آزادی زن شرکت داشتند، علیرغم تجربه ها و سوابق متفاوت، در این امر با یکدیگر توافق داشتند. اغراق نیست اگر بگوییم که ما در این جهت نقش مهمی ایفاء کرده ایم.

یک دنیای بهتر: یکی از مهمانان امسال علیا مگدا المهدی بود. علیا چه گفت و چه پیامی از نسل جدید در خاورمیانه و مشخصاً مصر داشت؟

آذر ماجدی: علیا یک دختر جوان خجول است. برای خود من جای تعجب بسیار داشت که چنین دختر خجولی دست به چنین اقدام شجاعانه ای زده است. تنها توضیحی که می توانستم برای این کنتراست بیابم، وجود ستمکشی بسیار خفقان آور و عمیق زن در مصر و همچنین شرایط هیجان انگیز اعتراض توده ای است. در چنین شرایطی انسان شجاعت و اعتماد به نفس بسیاری کسب می کند؛ روانشناسی توده ای و اجتماعی تأثیرات مهمی بر روانشناسی فردی می گذارد؛ عصیان و شورش بهترین توصیف برای حرکت علیا است.

«اسلام معتدل» متمرکز شده بود، که هر یک به وجوهی از این مساله پرداختیم. وضعیت عراق، قتل ناموسی، نسبیت فرهنگی در جامعه سوئد، تاریخچه اخوان المسلمین، لزوم اتحاد سازمان های حقوق زن برخی نکات دیگری بود که به آنها اشاره شد. علیا درباره وضعیت اسفناک و تحت ستم زنان و دختران جوان در مصر صحبت کرد. کریم عامر که بعثت مشکل ویزا نتوانسته بود به کنفرانس بیاید، سخنرانی خود را برای ما ارسال کرده بود و در آن حقایق تلخی را در مورد وضعیت زنان در شرایط حاضر در جامعه مصر طرح کرده بود.

یک دنیای بهتر: ارزیابی شما از کنفرانس چیست؟ بعد از کنفرانس چه مسائل محوری ای را در دستور دارید؟

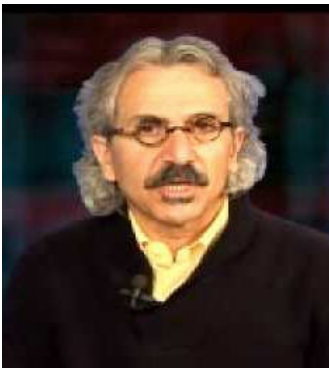
آذر ماجدی: بنظر من کنفرانس بسیار موفق و پر محتوا بود. نزدیکی فکری سخنرانان با یکدیگر یک نکته جالب توجه دیگر بود. با وجود اینکه کلیه سخنرانان از قدرتگیری بیشتر اسلامیست ها هراسان و نگران بودند، هیچیک از رژیم سابق دفاع نمی کرد. شاید طرح این نکته در اینجا عجیب بنظر رسد. اما باید توجه داشت که در جنبش حقوق زن یک گرایش راست موجود است که در بحبوحه خیزش مردم، باسرم دفاع از حقوق زن، به دفاع از رژیم های حاکم بلند شده بود؛ فعالینی که عملاً در تقابل با تروریسم اسلامی در کمپ تروریسم دولتی قرار می گیرند. سال پیش من در یک کنفرانس اینترنتی به زبان انگلیسی شرکت داشتم که عموم سخنرانان از این کمپ بودند. بنظر من موضع سخنرانان کنفرانس سازمان آزادی

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون "خطر" سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل میشود!



علی جوادی

نکاتی در نقد جنبش "انقلابیون برهنه"؟

نقد کمونیستی آذر ماجدی به سیاست "انقلابیون برهنه" با واکنش‌های هیستریک و عصبی مدافعین این حرکت مواجه شد. این واکنشها قابل پیش بینی بود. جریان‌های که با مبانی کمونیسم کارگری وداع کرده است ناچار است در هر چرخش خود به راست اینچنین برافروخته و کلاه مخملی در قبال نقد کمونیستی به این "کمپین" پاسخ دهد. در این نوشته به نکاتی دیگر پیرامون این طرح و تمایز آن با سیاست‌های یک حزب علی‌الظاهر مدعی کمونیسم می‌پردازم.

کدام جنبش انقلابی؟

اطلاق "انقلابی" به حرکت برهنه شدن برخی از اعضای دفتر سیاسی و کادرهای حزب سابقا "کمونیست کارگری" بهیچ وجه قائم به ذات به این حرکت خصلتی آزادیخواهانه، مترقی و یا پیشرو نمیدهد. چرا که انقلابی‌گری را اصولاً نمیتوان مستقل از مضمون و ماهیت طبقاتی و اجتماعی آن مورد قضاوت قرار داد. منصور حکمت در جزوه کوتاه "کارگران و انقلاب" بیانات بسیار گویایی در این زمینه دارد.

"طبقات مختلف و گرایشات سیاسی و اجتماعی مختلف "انقلاب" را به معانی بسیار متفاوتی بکار می‌برند. دنیای ما همه نوع "انقلاب" و همه نوع "انقلابی" ای بخود دیده است. تقریباً هر کس و هر جریانی که میخواهد وضع موجود در جامعه را بشیوه ای ناگهانی و بطور غیرمسالمت آمیز تغییر بدهد از انقلاب حرف میزند و خودش را انقلابی مینامد. خیلی از این انقلابات چیزی بیشتر از ارتجاع صرف نیستند. نمونه "انقلاب اسلامی" زنده و حی و حاضر

جلوی چشم ماست. عقب مانده ترین خرافات و مشقت‌بارترین اوضاع را انقلاب نام گذاشته اند. مرتجع ترین و کثیف ترین عناصر نام انقلابی بر خود نهاده اند. کارگر کمونیست پیگیرترین دشمن چنین انقلابات و انقلابیون دروغینی است.

برخی دیگر از انقلابات چیزی فراتر از اصلاحات محدود در وضع موجود نیستند. خلاصی از استبداد، کسب استقلال اقتصادی، برنامه ریزی و بهبود سطح تولید، توزیع به اصطلاح "عادلانه تر" ثروت و غیره مضمون اصلی بسیاری از تحولاتی بوده است که در کشورهای مختلف تحت عنوان انقلاب صورت گرفته است. در همه این موارد بنیاد مناسبات موجود در جامعه و کل نظامی که مایه مشقات و محرومیت های توده مردم کارگر و زحمتکش را تشکیل میدهد دست نخورده باقی مانده است. دو دهه قبل شاهد انقلابات متعدد اینچنینی در کشورهای تحت سلطه بوده است. امروز وقتی به این کشورهای انقلاب کرده نگاه میکنیم دیگر حتی نشانی از همان تحولات محدود ناشی از انقلاب هم باقی نمانده است و منطق نظام سرمایه داری بار دیگر این واقعیت را آشکار کرده است که مادام که اساس سرمایه و سرمایه داری پابرجاست نصب توده کارگر و زحمتکش جز فقر و بی حقوقی سیاسی و اجتماعی نخواهد بود.

خاصیت مشترک همه این انقلابات دروغین و نیم بند این

است که تماماً تحت تاثیر اهداف و مقاصد بخش هائی از خود طبقات حاکمه قرار داشته اند و رهبری سیاسی و عملی آنها بدست همین افسشار بوده است. کارگران همواره بعنوان نیروی ذخیره و کمکی به میدان کشیده شده اند، جنگیده اند و فداکاری های بی نظیر از خود نشان داده اند. اما حاصل کار جز دست بدست شدن قدرت در درون خود طبقه سرمایه دار و جز پیدایش شکل های جدیدی برای اداره نظام استثمارگر موجود نبوده است. در بسیاری موارد اولین کسانی که مورد تعرض بخش های تازه بقدرت رسیده طبقه حاکمه قرار گرفته اند خود کارگران بوده اند و انقلاب خود به دستاویز جدیدی برای سرکوب جنبش کارگری تبدیل شده است.

بنابراین وقتی کارگر از انقلاب صحبت میکند باید دقیقاً بداند که چه چیز میخواهد و چه چیز نمیخواهد. ما خواهان انقلاب کارگری علیه کل سیستم سرمایه داری و کل قدرت طبقه سرمایه داری هستیم. ما خواهان انقلاب کمونیستی هستیم که جامعه موجود را از بنیاد دگرگون میکند.

و در اینجا باید صد بار تاکید کرد هر آنچه که منصور حکمت در تقابلش با "انقلابات" و "انقلابیون" کاذب و غیر کمونیستی بیان داشته است تماماً و نعل به نعل در این مورد، "انقلابیون برهنه" هم صادق است. عده ای تقویمی از عکسهای برهنه رهبری و کادرهای حزبشان منتشر کرده اند و در ویدئویی که بهمراه آن در بازار بفروش میرسانند نکاتی در حق شان در برهنگی و کنترل خود بر بدنشان اظهار داشته اند. و این اقدامات را "جنبش انقلابیون برهنه" نام گذاری کرده اند. دیدنی است! این جست و

خیزهای مدیا پسند بهیچوجه این حرکت را در قالب تلاشهای یک جنبش کمونیستی برای آزادی و برابری زن و مرد در جامعه قرار نمیدهد. برهنه شدن در خود یک ارزش مترقی و آزادیخواهانه نیست. تلاش کمونیسم در مبارزه با رفع تبعیض و ستم بر زن تلاشی همه جانبه و ریشه ای است. سیاسی و اجتماعی و حقوقی است.

برای نابودی قاطع نابرابری زن و مرد در جامعه باید نظام سرمایه داری و در ایران حکومت کثیف اسلامی را که خش ترین اشکال ستم بر زن است را در هم شکست و نابود کرد. حتی اگر از این جریان کاذب کمونیستی بپذیریم که این پروژه ای "انقلابی" است بلافاصله باید پرسید "انقلابی" کدام طبقه؟ "انقلابی" کدام جنبش اجتماعی و انقلابی؟ "انقلابی" با کدام اهداف و سیاست‌هایی؟ تردیدی نیست که پاسخ هر چه باشد نمیتواند جنبش انقلابی کمونیستی و کارگری مد نظر باشد، نمیتواند باشد!

چرا انقلابی؟

مدافعین هیستریک این پروژه ادعا میکنند که این حرکت یک "اقدام انقلابی" است. و از قرار برهنگی آن ویژگی ای است که باید به این پروژه خصلت "انقلابی" بدهد. در این رابطه باید به نکاتی بدیهی اشاره کرد. معمولاً هر جریان انقلابی مستقل از اینکه انقلابی‌گری اش به کدام طبقه و اهداف اجتماعی تعلق داشته باشد، انقلابی‌گری اش را از اهداف و

نکاتی در نقد جنبش "انقلابیون برهنه" ...

سیاستها و پراتیک سیاسی اش نتیجه گیری میکند. اما این جریان غیر کمونیستی "انقلابیگری" این پروژه را از سیاستهایشان در "جنبش برهنگان" نتیجه نگرفته اند. خودشان اذعان میکنند که تمام ویژگی این پروژه در برهنگی شان است و نه در حرفهای نیم پز و لیبرال - فمینیستی شان. از قرار ما فعالین کمونیست کارگری باید از این جریان هیستریک بپذیریم که "برهنگی" در خود اقدامی انقلابی است. "جنبش برهنگی" جنبشی انقلابی است. ایجاد تقویمی از زنان برهنه اقدامی "انقلابی" و فروش آن در بازار کالاها اقدامی "انقلابی" تر است. و هیچکدام از فعالین "جنبش انقلابیون برهنه" ظاهرا لازم نمی بینند که به خود زحمت دهند و در دفاع از اهداف "جنبش برهنگی" چهار کلمه حرف معقول و دندانگیر غیر از فحاشی و لجن پراکنی بزنند.

بعلاوه "جنبش برهنگی" جنبشی در خود علیه تبعیض جنسی نیست. در خود علیه نابرابری زن و مرد در جامعه نیست. علیه پوشش است. هر نوع پوششی. چه پوشش کثیف مذهبی و اسلامی و چه پوششی که انسانهای آزاد برای خود انتخاب کرده اند. به همین اعتبار "جنبش برهنگی" جنبشی برای مقابله با نابرابری زن و مرد نیست. "برهنگی" مترادف آزادی در انتخاب نوع پوشش نیست. "برهنگی" نوعی از پوشش نیست. ما کمونیستهای کارگری مدافع حق انسانها در آزادی انتخاب نوع پوششان هستیم. در برنامه ما، یک دنیای بهتر، در زمینه حقوق فردی و انسانی آمده است:

"آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس، لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، اعم از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مینای پوشش و لباس مردم."

"جنبش برهنگی" جنبش ما کمونیستهای کارگری نیست. ما کمونیستهای کارگری از حق

این افراد در برهنه شدن و عکس گرفتن دفاع میکنیم، همانطور که از غیر جنایی شدن فحشا دفاع میکنیم. ما از حق ابراز "هنری" این افراد در برهنه شدن دفاع میکنیم، همانطور که از حق آزادی ابراز وجود هنری حتی در زمخت ترین شکل آن دفاع میکنیم. ما از حق این افراد در تولید تقویم برهنگان دفاع میکنیم همانطور که از آزادی مذهب و بی مذهبی دفاع میکنیم. اما اجازه نمیدهیم که این جنبش را بعنوان جنبشی انقلابی با مفاهیم مورد نظر کمونیسم کارگری بخورد جامعه دهند.

علیه اسلام سیاسی یا اقدام فرقه ای دیگری؟

میگویند این اقدامی بر علیه "اسلام سیاسی" است. تاکید بسیاری بر این زمینه از پروژه شان دارند. در این زمینه باید به دو نکته اساسی اشاره کرد. برهنه شدن تعدادی از اعضای یک سازمان کاذب کمونیستی پیش از آنکه نشان یک تقابل اجتماعی و مترقی در مقابله با اسلام سیاسی باشد، اقدامی مشابه فرقه های مذهبی است که اعضای فرقه شان بنا به رهنمودهای رهبری شان دست به اقداماتی میزنند که واکنش اولیه هر انسان آزادیخواهی در درجه اول این است که "اینها چه شان شده است؟" چه شده است که مبارزه مترقی و آزادیخواهانه علیه اسلام سیاسی را به تلاشهای فرقه گرایانه و حاشیه ای تبدیل کرده اند؟ از یک مبارز پیگیر علیه اسلام سیاسی بپرسید به شما خواهند گفت که مبارزه علیه اسلام سیاسی در درجه اول مبارزه علیه حکومتی است که تبعیض و نابرابری و ستم بر زن یک محور سیاست اش در حاکمیت است. مبارزه علیه اسلامی سیاسی مبارزه ای متشکل کننده، آگاهگرایانه و سازماندهنده علیه یک جنبش ارتجاعی و تا مغز استخوان عقب مانده و تروریستی است. مبارزه ای برای شکل دادن به یک جنبش عظیم اجتماعی در جارو کردن بساط اسلامیسیم در جامعه است. مجموعه ای از اقدامات نمایشی مدیایی نیست.

بعلاوه "برهنه" شدن در اروپا و آمریکا و در حریم خصوصی و شخصی خود بیانگر هیچ مبارزه روشن و قاطعی علیه اسلام سیاسی نیست. مترادف حجاب برکندن در جامعه ایران نیست. مترادف حجاب سوزان در مراسم چهارشنبه سوری نیست. مترادف "بد حجابی" نیست. اگر کسی قصد و یا ادعای مبارزه علیه اسلام سیاسی را دارد باید به جنگ این جنبش با مختصات داده شده و تعریف شده اش برود. نمیشود "برهنه" شد و ادعا کرد که این "برهنگی" علیه اسلام سیاسی است، انقلابی است. جنبش انقلابی است. واقعیت این است که این سازمان میتواند تماما برهنه شود، کسی هم به برهنه شدن آنها ایرادی نخواهد گرفت، و باید مطمئن باشند که ما از این حق شان کاملا دفاع میکنیم اما اجازه نمیدهیم این اقدامات را با زورق کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی به خورد جامعه دهید.

بعضا گفته میشود که این اقدام از جنس اقدام علیا در مصر است. آذر ماجدی بطور همه جانبه ای به این ادعای کاذبشان پاسخ داده است. در اینجا باید اضافه کرد همانطور که عدم تمکین به حجاب اسلامی در غرب را نمیتوان به حساب مبارزه با اسلام سیاسی گذاشت، همانطور هم نمیتوان "برهنه" شدن و تقویم درست کردن و فروش آن را به حساب مبارزه علیه اسلام سیاسی گذاشت.

تاکتیک یک حزب کاذب کمونیستی در ۸ مارس

۸ مارس روز جهانی زن است. روز تلاش برای آزادی و برابری و تلاش برای نابودی مناسبات و فرهنگ و قوانینی است که تبعیض و فرودستی زن بخشی از سیستم وجودی آن است. در این روز تمامی جنبشهای آزادیخواه و برابری طلب و مدافع آزادی و برابری بی قید و شرط زن و مرد در جامعه به

بندارد که با "جنبش برهنگی" میتواند جایی برای خود در دنیای تحولات آزادیخواهانه و برابری طلبانه دست و پا کند.

دوست دارم که این مطلب را با نقل قولی از منصور حکمت به پایان ببرم:

"برای کارگر کمونیست انقلاب یعنی خیزش طبقه کارگر برای عملی کردن تمام این تحول عظیم اجتماعی. مبارزه برای آزادی، برابری و حکومت کارگری. ... جریان کمونیستی در درون طبقه کارگر هدف خود را این قرار داده است که کارگران را به این دورنما مجهز کند و حرکت مستقل کارگران برای کسب قدرت سیاسی و انجام انقلاب کارگری را سازمان بدهد."

این اهداف را با اهداف "جنبش برهنگی" مقایسه کنید، توضیح دیگری لازم نیست! *

کارگران شرکت ساختمانی عمران نیرو

پایان سال، یکماه دستمزد موق!

بنا به خبر دریافتی، پرداخت دستمزدهای بیش از ۸۰ نفر از کارگران شرکت عمران نیرو بعلت کارشکنی و سود جویی کارفرما به سال آینده حواله داده شد. به دنبال مراجعات و پیگیریهای چند روز اخیر کارگران به عوامل کارفرما برای دریافت دستمزدها و طلبهایشان، سر انجام تیر کارگران به سنگ خورد. در جواب اعتراض و پیگیریهای کارگران چهره دزد و منفور ضد کارگری "باهر" مدیر شرکت عمران نیرو با توسل به تهدید به اخراج و ارباب خطاب به کارگران گفته است: من مطلقا پولی برای پرداخت دستمزدهای اسفند ماه شما ندارم. در این روزهای پایانی سال پول کجا بود؟ در ضمن این تعداد کارگر برای این شرکت جز ضرر نتیجه دیگری ندارد. در سال جدید باید عده ای از کارگران تعدیل شوند. تا آن موقع هم فکری برای دستمزدها میکنیم.

این جواب سرمایه داران و نظامی است که از قبل کار و استثمار وحشیانه کارگران سوده‌های میلیاردی به جیب میزنند. این جواب هر تازه سرمایه دار و جنایتکار اسلامی است که در چهار گوشه ایران زندگی و همه چیز طبقه کارگر را به گرو گرفته است. میلیونها که ماهها در ازای دستمزدهای اندک در شرایط بردگی مطلق اجبر و استثمار شده اند و هنوز که هنوزه ریالی از دستمزدهای ناچیزشان را دریافت نکرده اند.

شرکت ساختمانی عمران نیرو با بیش از ۸۰ نفر کارگر قراردادی با قراردادهای از ۳ ماه تا یکسال و دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی پرداخت نشده و ساعت کاری از ۷ صبح تا ۷ شب و کار اجباری در تعطیلات، هم اکنون مجری احداث مجتمع های تجاری نیروی انتظامی حکومت اسلامی در شهرک آزمایش تهران است. باهر مدیر شرکت از طریق همدستی و زد و بند با عوامل حکومتی در نیروی انتظامی و همچنین از طریق عدم پرداخت دستمزدهای کارگران به ثروتهای میلیاردی رسیده است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ مارس ۲۰۱۲ - ۲۴ اسفند ۱۳۹۰

نکاتی در نقد جنبش "انقلابیون برهنه" ...

میدان می آیند، اعتراض میکنند، فریاد میزنند، کنفرانس میگذارند، سخنرانی میکنند، نقد میکنند، و در مبارزه برای آزادی و برابری زن و مرد هم پیمان میشوند. در این روز ما شاهد عزم بخشهایی از جامعه و جنبشهای برابری طلب در مبارزه علیه ریشه ها و مظاهر نابرابری هستیم. شاهد پرچمهای سرخ و آزادیخواهانه کمونیستی در برابری زن و مرد هستیم. اما بنظر چنین اقداماتی از قرار دیگر از این حزب کاذب کمونیستی انتظاری بیهوده است. این جریان ۸ مارس روز جهانی زن را با تهیه "تقویم انقلابیون برهنه" برگزار کرد. و تمام پیامشان به جامعه در هشت مارس را در این تقویم خلاصه کردند. خالی و تهی از هر نوع آزادیخواهی و برابری طلبی.

یک پیام ۸ مارس اتحاد و همبستگی در مبارزه علیه نابرابری و ستم بر زن است. اما تاکتیک این جریان فرقه ای و تفرقه افکنانه است. تاکتیک که نتواند در قبال موضوعی به عظمت مبارزه برای آزادی و برابری زن در جامعه اجتماعی شود، تاکتیک و سیاستی غیر توده ای و غیر کمونیستی است. ۸ مارس روز "اعتراض" اقلیتی انگشت شمار در اعتراض به "پوشش" نیست. تلاشی عظیم برای برابری و آزادی است.

در پایان

زمانی منصور حکمت میگفت که حزب کمونیست کارگری میتواند آن قدر گسترده و اجتماعی شود که افرادی به آن بپیوندند که ندانند "لنین خوردنی است یا پوشیدنی"، یک حقیقت سیاسی را بیان میکرد. در عین حال تاکید میکرد که هرزیمت رفته به نادرست می

ناسیونالیسم کرد و روز زن

دالیا علی سعید

در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن، احزاب ناسیونالیست گمارده شده پنتاگون بر کردستان عراق، در تداوم سیاستهای زن ستیزانه شان به تبلیغات مسموم و ارتجاعی و تفرقه افکنانه برای روز زن متوسل شدند. در کانالها و شبکه های تلویزیونی و ماهواره ای این احزاب مرتجع و زن ستیز، روز زن را "روز پوشیدن لباس کوردی و رقص و پایکوبی زنان" اعلام و بنمایش میگذارند! (آنهم با جداسازی زنان از مردان در هنگام رقص).

در مقابل این ارتجاع محض، حتی برای حفظ ظاهر هم که شده اپوزیسیون ناسیونالیسم چپ ایرانی حاضر در عراق نه فقط مثل همیشه کوچکترین نقشی در افشاء این نوع سیاستهای زن ستیز نداشت بلکه مردم کردستان عراق هم مراسم ۸ مارس در اردوگاههای این اپوزیسیون را به نام (حفله) عروسی و پایکوبی میشناسند.

دلیل البته روشن است. برای نیروهای متفرقه ناسیونالیستی "اصول و برابری" تابع دیپلماسی و منافع مالی است. آنها در مقابل دریافت کمک مالی از احزاب حاکم، سیاست شان سکوت و همراهی و همسوئی با جریانات ناسیونالیستی مادر است. تحت تاثیر همین سیاستهای ارتجاعی در اردوگاههای جریانات قوم پرست نیز شاهد جنایاتی فجیع و دلخراش در حق زنانی که به این نیروها میپیوندند هستیم و بوده ایم. (همین چند ماه پیش شاهد قتل ناموسی یک زن به نام مریم صادقی (یلدا) در اردوگاه سازمان زحمتکشان مهتدی بودیم که توسط همسرش با شلیک چند گلوله جان باخت).

اما واقعیت ۸ مارس بر همگان عیان است. این روز، روز مبارزه حق طلبانه زنان است که برای آزادی و برابری زن و مرد در دنیا میجنگند. روزی است که سوسیالیستها وارد فرهنگ سیاسی جامعه بشری کرده اند و از همان ابتدا جواب این قوم پرستان و ناسیونالیستها و زن ستیزهای مدافع سرمایه داری و مردسالاری را داده اند. این روز، روز مبارزه با قوانین ضد زن، روز مبارزه بر علیه سنگسار، روز مبارزه بر علیه آپارتاید جنسی است. روز مبارزه علیه مالکیت مرد بر زن است. روز مبارزه برای آزادی و اختیار زن بر تعیین سرنوشت خویش بعنوان یک انسان برابر است. روز مبارزه با قتل ناموسی و قصابخانه های اسلاميون و مذهبیون است. روز مبارزه برای برابری فرزندان دختر با پسر است. روز مبارزه با زندان کردن زنان در منزل به بهانه خانه داری و بچه داری و دور کردنشان از صحنه سیاسی و فعالیت اقتصادی است. روز مبارزه برای آزادی پوشش و برانداختن حجاب اجباری است. روز مبارزه برای حق انتخاب، مبارزه برای استقلال اقتصادی و روز اعلام این واقعیت است که ستم بر اساس جنسیت لجن تاریخ بشری است که سرمایه داری و مردسالاری از آن دفاع میکند و باید ور انداخته شود.

"این نوع تبلیغات در راستای زن ستیزها و ستم کشی زنان که از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ بیش از ۳۰۰۰۰ زن را قربانی سیاست مردسالارانه احزاب

ناسیونالیست حاکم در عراق کرده است و فلج کردن جنسی بیش از ۵۰ درصد از دختران و زنان است". (تقیانوسیک له تاوان)

من به عنوان یک انسان که در کردستان عراق متولد و زندگی کرده ام، بعنوان کسی که شاهد صحنه هائی از این توحش و نابرابری بوده ام و به اندازه توان خود هم به مبارزه با آن پرداخته ام، همچنین به عنوان یک فعال جنبش کمونیسم کارگری که در راه افشاء این نیروهای مرتجع و ناسیونالیست تلاش کرده ام، هرگونه به انحراف کشیدن ۸ مارس توسط جریانات مرتجع ناسیونالیستی و شرکایشان را قاطعانه محکوم میکنم. فراخوان من به زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب این است که به مبارزه قاطع بر علیه این سیاستهای شناخته شده و ضد زن احزاب مرتجع ناسیونالیستی برخیزند، این روز را همانطور که بوده و هست گرامی



بدارند و در راه آزادی و برابری زن و مرد تمام تلاش خود را بکار گیرند.

ناسیونالیسم بنا بر ماهیت خویش دشمن برابری انسان است و به همین دلیل مهر قومی بر روز زن میکوبد تا زنان را به نیروی جنبش ارتجاعی خود بر علیه جنبش برای زن و مرد در سراسر جهان قرار دهد. زنده باد آزادی و برابری زنان و مردان!

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی همین امروز!

"آزادی"

یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.



کوروش سمیعی

از احتمال جنگ تا سرنگونی رژیم

انتظار اعدام و زیر خاک وجود دارند که نه نامی از آنها در میان است و نه نشانه ای. کسانی که برای آزادی و رسیدن به جامعه ای برابر دست به مبارزه زده اند! کمترین اینها هزار شرف دارند به موسوی و کروبی هایی که در لابی های قدرت و چانه زنی های سهم خواهی دچار خانه نشینی شدند! چشم ها را باید نسبت به واقعیت جامعه باز کرد. وقت آن رسیده که کلیه نیروهائی که اساس وضع موجود بیزارند تبدیل به جریانی عملی و قدرتمند در جامعه شوند و با تمام قدرت با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی پایه های فردای آزادی جامعه را بنا بگذارند.

اینکه آیا جنگ میشود یا نمیشود، اینکه آیا تحریم های بین المللی برداشته میشود یا نمیشود، اینکه بحران اتمی ایران با مذاکره و کوتاه آمدن یک قطب متخاصم ختم به خیر میشود یا نمیشود، علیرغم تأثیرات بلافصل و یا رفع مخاطرات در اساس ربطی به تحقق آزادی و رفاه مردم ایران ندارد. تحقق آزادی در ایران راهی جز سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی ندارد و هر تغییری در بالا به هر شیوه ای نسخه ای برای تداوم وضع موجود به شکلی دیگر است. این حکومت بیش از سی و یک سال است که با همین اندازه فشار و نوآوری و نوع آوری در محدود کردن آزادی های

بیش از این توان برای تحمل فشارهایی که از طریق این حکومت بر آن تحمیل میشود را ندارد. حساب این مردم با این حکومت صاف است. "انتخابات" مجلس اسلامی خلوت تر از همیشه برگزار شد و حتی شوی رای دادن خاتمی هم نتوانست به تعداد تماشاچی های این نمایش مضحک اضافه کند! حتی کسانی که سنگ اصلاحات و دو خرداد را به سینه می زنند هم امروز از به سمت هیچ حرکت کردن خود سرخورده شدند و تدریجا پشت آمریکا و نیروهای پنتاگون بسیج میشوند. این نیروها سابقه روشنی در همگام شدن با مطالبات مردمی ندارند و امروز نیز فاصله شان از حکومت اسلامی به معنی پیوستن به صف مبارزات مردم برای سرنگونی انقلابی این حکومت نیست. این نیروها همواره از ارتجاع دفاع کرده اند و مدافع ارتجاع هم باقی خواهند ماند، گیرم شناسنامه و پرچم ارتجاع تغییر کند.

اما کسانی که هنوز سعی در تحریف سرنگونی طلبی مردم دارند، کسانی که پشت سر خاتمی نماز آشتی ملی می خوانند و با دموکراسی شیدایی و پایبند بودن به مقدسات و هزار بهانه دیگر موتور آدمکشی رژیم را در حال کار کردن نگاه داشته اند از همدستان قاتلین و شکنجه گران این مردم خواهند بود! در پستوهای اوین و شکنجه گاه های این رژیم قشون قشون مبارزانی هستند که هفته ها در انفرادی به سر می برند و بدنشان کبود از شکنجه است. هزاران اعدامی سیاسی در

هیچ جریانی جز مسئله حمله نظامی به ایران و احتمال وقوع جنگ نمی توانست جمهوری اسلامی را که در گرداب بحران های سیاسی درونی جامعه و قطب هایش گیر کرده را به وجد بیاورد! برای لاپوشانی کردن جریان اختلاس 3 هزار میلیاردی که یکی از هزاران ارقامی است که از جیب این مردم دزدیده می شود، برای تحت الشعاع قرار دادن افزایش تورم و رو به فزونی رفتن فشار فقر بر جامعه، برای توجیه سیاست های سرکوبگرانه علیه مخالفین و هزینه های تروریستی در سوریه و لبنان و صدها نقطه دیگر، برای فرار از بن بست های همه جانبه و تقابل با خطر سرنگونی این حکومت اسلامی حتما نیاز به خطری مثل جنگ دارد! امروز بحران های کارگری و افزایش میزان فقر در جامعه از قبل فشار تحریم ها بر مردم آن چنان کمر شکن شده که زندگی بسیاری از مردم را به مرز از هم پاشیدگی کشانده اما در این میان خامنه ای و دست نشانده هایش اعتقاد دارند که این تحریم ها درصدی تأثیر بر کشور نداشته است! روز به روز موجی از کارگران اخراجی به نیروی بیکار در جامعه اضافه می شود اما احمدی نژاد و دارو دسته اش می گویند که دولتشان 2 میلیون و 500 هزار فرصت شغلی در هر سال ایجاد کرده!

تا دلتان بخواهد بین واقعیت جامعه ایران و واکنش های رژیم نسبت به این حقایق پارادوکس وجود دارد و تا ابد و دهر هم این غائله ادامه پیدا خواهد کرد اگر شرایط عکس العمل نشان دادن ما نسبت به این رژیم برای سرنگونی اش رو به سازماندهی و تسریع حرکت نکند! این جامعه دیگر

مردم و اعمال شکنجه و جنایت روی کار مانده و بعد از این هم حتی با برگشتن به شرایط قبل از این بحران ها درصدی عوض نخواهد شد. این سیستم بورژوازی اسلامی در هیچ قالب و رویکردی نمیتواند با مطالبات مردمی در یک سو قرار بگیرد. وقت آن رسیده به همان گونه که این مردم با انتخاب کردن مبارزه مشخص سیاسی تکلیف خود را با این حکومت و سرکرده هایش روشن کرده اند، اقلیتی که هنوز در خواب به سر می برند نیز با چشمی بیدار و فریادی سرا با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی تمامی این رژیم را نشانه بگیرند.

تنها راه خروج از شرایط اسفبار فعلی، سرنگونی جمهوری اسلامی و انقلابی کمونیستی است. پروژه ای که حزب اتحاد کمونیسم کارگری ایران دنبال میکند و در تلاش برای سازماندهی کردن آنست. بیشک پیوستن به این حزب می تواند رسیدن به این امر را تسریع بخشد.

زنده باد سوسیالیسم، زنده باد حزب اتحاد کمونیسم کارگری

زنده باد جنبش مجمع عمومی کارگران!

زنده باد شوراهای کارگری!

شود و قس علیهذا.

ما اینها را از نزدیک دیدیم. این حرکات حقیر مضمّنمان کرد. و وقتی دیدیم که درخت از ریشه کرم زده است، این حزب را ترک کردیم تا حزبی بسازیم تا صلابت سیاست و تئوری مارکس و حکمت را نمایندگی کند. اینها در آن زمان ماشین جدل آنلاین شان را فعال کردند و تمام انسان های آزادیخواه، شریف و کمونیست را مضمّن کردند. حالا هم که با یک نقد کوبنده روبرو شده اند، دوباره به تنها سلاحی که می شناسند و در آن تبحری دارند، روی آور شده اند. از اینها بیش از این انتظار و توقعی نمی توان داشت. اینها را همه می شناسند. اما شاید بد نباشد بهشان توصیه کنیم که دیگر بیشتر از این آبروی خود را بیاد ندهند.

* باور کنید که توصیف لجن آنلاین برای آن مناسب تر است.



کافر همه را به کیش خود پندارد!

در حاشیه آغاز بکار دور جدید جدل آنلاین

نسرین رضانعلی

را لیدر این حزب در زمان اوجگیری اختلافات سیاسی درون حزب اختراع کرد. تمام اختلافات سیاسی و تئوریک ما را با یک کلمه پر محتوای «حسادت» برای اعضای حزب توضیح دادند.

باید گفت که کافر همه را به کیش خود پندارد! حسادت نقش مهمی در سرنوشت ناگوار این حزب ایفاء کرد؛ اما این دوستان لطف کرده و فرا افکنی می فرمایند. از حسادت بر سر لیدری میان لیدر فعلی و لیدر سابق که اکنون در یک حزب دیگر کودتا کرده است. حسادت برای ظاهر شدن بر صفحه تلویزیون، چون ظاهرا هر که صورتش بر صفحه تلویزیون پیدا می شد، بلافاصله به رهبر مردم بدل می شد! از پشت پا گرفتن برای رفیق دیروز تا وفاداری به رهبری حاکم ثابت شود و پست و مقامی گرفته

نویسد که: «اینها هیچ ربطی به کمونیسم کارگری ندارند و فقط یک اسم را یدک می کشند و این اسم را نیز همچون تمام پدیده های دیگر از محتوا خالی کرده اند.»

این نقد سیاسی آذر ماجدی با هجمه برخی کادرهای بسیار «با فرهنگ و مودب» این حزب مواجه شده است. بعضی دست کلاه مخملی های «وطنی» را از پشت بسته اند. برخی به سبک خاله زنک هایی که در کوچه تخمه می شکنند و پشت مادر زن و مادر شوهر و عروس و جاری صفحه می گذارند، وارد بحث شده اند. به خیال خود خیلی هوش نشان داده اند و علت نقد آذر ماجدی را در «حسادت» او توضیح داده اند. تز حسادت

ماشین جدل آنلاین* تولیدات مونتاژی خود را دوباره آغاز کرده است. آذر ماجدی حرکت اعضای دفتر سیاسی، کمیته مرکزی و کادرهای این حزب را در تولید تقویمی شامل عکس های لخت زنان و ویدئو کلیپی از زنان نیمه برهنه نقد کرده است. این یک نقد جدی و سیاسی است. آذر ماجدی این اقدام را در متن راست روی ها و زیگزآگ زدن های این حزب در ۵-۶ سال اخیر و سبک کار آکسیونبستی و غوغا سالاری این حزب قرار داده است. او گفته است که آنها «مختار و مجازند» که هر کاری می خواهند انجام دهند، از چاپ عکس لخت گرفته تا هر کاری که به مخیله شان خطور می کند. این عین آزادی بیان و ابراز وجود است؛ اما حق ندارند آنرا باسم کمونیسم کارگری بنویسند. آذر ماجدی در پایان می



زنده باد 8 مارس، روز جهانی زن!

گزارش میز اطلاعاتی و آکسیون 8 مارس 2012

در گرامیداشت مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه جنبش آزادی زن و در همبستگی با مبارزه علیه آپارتاید جنسی حاکم بر ایران در روز 8 مارس 2012، سازمان آزادی زن همچون سالهای گذشته اقدام به برگزاری میز اطلاعاتی در شهر گوتنبرگ سوئد کرد. میز کتاب سازمان آزادی زن از ساعت چهار بعد از ظهر در میدان مرکزی شهر برپا بود و فعالین سازمان آزادی زن تلاش کردند با پخش بیش از 500 تراکت در رابطه با خیزش توده ای در خاورمیانه و شمال آفریقا، عروج اسلام سیاسی، توجه رهگذران را به موقعیت آتی زنان در منطقه جلب کنند.

گزارش تصویری این آکسیون در سایتهای زیر موجود است.

www.azadizan.net
www.azadi-com
www.mobarezan.com
www.wupiran.net

زنده باد آزادی، زنده باد برابری
زنده باد آزادی زن

سازمان آزادی زن
9 مارس 2012

کارگران شرکت نو آرنده

اخراج در روزهای پایانی سال، عدم پرداخت دستمزدها!

بنا به خبر دریافتی، در آخرین روزهای پایانی سال بنا به دستور مزینانی مدیر شرکت وارداتی نو آرنده ۱۹ نفر از کارگران از کار اخراج و بیکار شده اند. اخراج کارگران در حالیست که دستمزدها و پاداش پایان سال کارگران تا روز بیست و یکم اسفند ماه پرداخت نگردیده است. اعتراض و پیگیری کارگران برای بازگشت به کار تاکنون بی نتیجه بوده و مزینانی در جواب کارگران معترض و اخراجی گفته است: من که تعهد نداده ام تا شغل و هزینه های زندگی شما کارگران را تامین کنم، تا امروز به شما نیاز کاری داشته ام از این به بعد نمیخواهم. کار ما واردات است، به دلیل محاصره اقتصادی و تحریمها دیگر به ما جنس نمیدهند. شرکت در حال ورشکستگی و رکود است. شما کارگران هم به سلامت.

یکی از کارگران اخراجی میگفت: بیش از ۵ سال در این شرکت برای این مزینانی کار کرده ام، هرگاه که نیاز کاریش بوده و هر روزه تا آخر شب و حتی در همه روزهای تعطیل هم از ما کار کشیده است. حالا که سود آوری این کار به هر دلیلی برایش کاهش یافته کوتاه تر از دیوار ما کارگران دیواری نیست. البته مسئله محاصره اقتصادی بر روی همه چیز اثر گذار بوده است. این ما کارگران و خانواده هایمان هستیم که مستقیماً هزینه این تحریمها را می پردازیم. همه هزینه های زندگی از خورد و خوراک گرفته تا درمان و دارو، همه قیمتها را به ناحق چندین برابر بیشتر افزایش داده اند. آخر سر هم این تحریمها بهانه دندان گیری شده برای مثنی سرمایه دار دزد و بی همه چیز که به این بهانه آن هم در این روزهای آخر سال که هزینه های زندگی بیشتر است، با این همه سابقه کاری که من و امثال من داریم، ما را از کار اخراج نموده و به این بهانه ها هم چندرغاز پاداش و عیدی پایان سال و سنوات ما را هم بالا بکشند. آیا آخوندها و وکیل و کلاهای کاسه لیس ریز و درشت و آنهایی که در حکومت با ثروتهای میلیاردی باد آورده نشسته اند، آیا این خیل اوباش انگل هم به دلیل تحریمهای اقتصادی مثل ما کارگران از کار اخراج میشوند؟ آیا این آقایان اصلاً کار میکنند که قرار شود از کار اخراج و بیکار گردند؟ اگر فردا جنگی هم به پا شود این ما کارگران و خانواده هایمان هستیم که در نهایت فقر و فلاکت باید گوشت دم توپ سود جویی و جنایتکاری این حکومت اسلامی و آمریکا و اروپا باشیم.

شرکت نو آرنده هم اکنون با ۱۲ نفر کارگر که ۱۹ نفر دیگر نیز از کار اخراج شده اند، با قراردادهای ۳ ماهه و دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی و ساعت کاری از صبح تا شب، وارد کننده انواع مواد غذایی است. دفتر مرکزی شرکت در خیابان قائم مقام تهران واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ مارس ۲۰۱۲ - ۲۴ اسفند ۱۳۹۰

شرکت صادراتی رهنورد

دزدی از عیدی و پاداش پایان سال کارگران!

بنا به خبر دریافتی، در آخرین روزهای پایانی سال مبالغ ناچیز عیدی و پاداش پایان سال ۱۰ نفر از کارگران شرکت صادراتی رهنورد مورد دزدی و اجحاف کارفرما قرار گرفته است. بنا به دستور "قناد پور" مدیر شرکت مبلغ ۳۰۰ هزار تومان بعنوان عیدی پایان سال بدون احتساب و پرداخت سنوات و برخی مزایای جانبی به حساب کارگران واریز شده است. بر طبق قانون کار فرمایشی حکومت اسلامی سرمایه داران میزان عیدی پرداختی پایان سال کارگران حداقل بایستی دو برابر پایه دستمزد ماهیانه کارگران یعنی حدود ۷۰۰ هزار تومان باشد که البته مبلغ معادل یکماه دستمزد نیز باید بعنوان سنوات به کارگران پرداخت شود. قناد پور مدیر شرکت با رندی و سود جویی فقط ۳۰۰ هزار تومان برای ماستمالی پاداش پایان سال به حساب کارگران واریز نموده و با پر رویی خطاب به کارگران معترض گفته است: اعتراض بی اعتراض، هر کسی معترض است بفرماید تسویه حساب و اخراج.

این روزها مسئله جر زنی و دزدی سرمایه داران و عوامل حکومت اسلامی در روزهای واپسین سال بازار گرم و پر رونقی دارد. دزدی از عیدی و پاداش اندک پایان سال کارگران صرفاً مختص شرکت رهنورد نیست. بنا به اخبار موقث دهها هزار نفر کارگر از خود رو سازیها گرفته تا همه صنایع ریز و درشت و تا کارگران مناطق مختلف شهرداری و میادین میوه و تره بار تهران و ... عیدی و پاداش پایان سال و سنوات و برخی مزایای جانبی کارگران به طرز جنایتکارانه ای از سوی سرمایه داران و حکومت اوباش اسلامی مورد چپاول و دستبرد قرار گرفته است.

شرکت صادراتی رهنورد واقع در خیابان یوسف آباد تهران با ۱۰ نفر کارگر قراردادی با قراردادهای موقت و سفید امضا و دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی از جمله صادر کنندگان اصلی قیر به کشور پاکستان میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ مارس ۲۰۱۲ - ۲۴ اسفند ۱۳۹۰

در نقد سندیکالیسم

مجموعه ای از اسناد حزبی، مقالات جدلی و مباحث انتقادی، عملی و سبک کاری در جنبش کارگری



از انتشارات حزب اتحاد کمونیسم کارگری

اکتبر ۲۰۱۱

مجمع عمومی

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است! جنبش مجمع عمومی کارگری را تقویت و گسترش دهید!

فروستی زن

نفس ستمکشی و فروستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است.

قابل توجه علاقمندان و خوانندگان:

در باره زمان انتشار نشریه "آزیتاتور - سازمانده"

با پوزش بدلیل مشکلات کاری و محدودیت های زمانی، نشریه "آزیتاتور - سازمانده" که قرار بود اواخر ژانویه شروع بکار کند، انتشار آن به تاخیر می افتد. امیدواریم بر اساس جدول کاری ما انتشار نشریه در ماه آتی میسر شود.

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری

کمک مالی کنید!

اخراج کارگران

شرکت وارداتی الیت!

بنا به خبر دریافتی، از هفته پیش تا امروز 8 نفر از کارگران شرکت وارداتی الیت از کار اخراج شدند. اخراج ناگهانی در روزهای پایانی سال زندگی کارگران و خانواده هایشان را در کابوس فقر و گرسنگی بیشتر و در جهنم بیکاری فرو برده است. عوامل کارفرما میگویند در شرایط تحریمها و به دلیل سقوط ارزش ریال و افزایش بهای انواع ارز خارجی دیگر قادر به واردات و ادامه کار نیستیم. سرمایه داران سرمایه هایشان را از بازار کساد تجارت و واردات به بازار سود آورتر بساز و بفروش و دلالی ارز و سکه منتقل نموده اند.

بله، همانگونه که اوپاما و دیگر سران جنایتکار دول سرمایه داری امریکا و اروپا میگویند تحریمهای تکنونیشن بر علیه حکومت اوپاش اسلامی از قرار موثر افتاده است! به دلیل محاصره اقتصادی، به دلیل ورشکستگی، به دلیل بحران لاعلاج سرمایه داری و به دلیل ماهیت کثیف و ضد انسانی این نظام هر روز دسته دسته از کارگران از کار اخراج و بیکار میشوند. تحریمها حربه مناسبی برای اخراج کارگران و نپرداختن گسترده تر دستمزدهاست. اخراج و بیکاری کارگران مساویست با افزایش فقر و گرسنگی و محرومیت روز افزون، اخراج یعنی سلب حق حیات و زندگی میلیونها انسان شریف و زحمتکش از خانواده های کارگری. اخراج و بیکاری یعنی تن فروشی و اعتیاد بیشتر، یعنی حراج و فروش کلیه و اعضا و جوارح بدن در بازار مکاره سرمایه داری. بیکاری یعنی انهدام خانواده های کارگری. تحریمها زندگی میلیونها نفر انسان کارگر و زحمتکش را نشانه رفته است و سران جانی حکومت اسلامی در حالیکه در بارگاه امن حکومتی نشسته اند در زرادخانه هایشان با عصای جهل و خرافه و جنایت کورمال کورمال به دنبال کشف ذرات اتم میکوشند. چه دنیای وارونه و زشتی!

شرکت الیت هم اکنون با 8 نفر کارگر شاغل (و 13 نفر کارگر اخراجی) با قراردادهای 3 ماه تا یکسال و دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری از 8 صبح تا 6 عصر و اضافه کاری اجباری بنا بر نیاز کارفرما، وارد کننده انواع مواد غذایی است. دفتر شرکت در خیابان قائم مقام تهران واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ مارس ۲۰۱۲ - ۲۴ اسفند ۱۳۹۰

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!